

بررسی آیین‌نامه دادگاه‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی از منظر اصول دادرسی کیفری

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۱۹ / بهار ۱۳۹۹ / ص ۱-۱۴

اعظم جمشیدی^۱، هانه فرکیش^۲

^۱ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

^۲ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

نویسنده مسئول:

هانه فرکیش

چکیده

مفاسد اقتصادی امروز به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم و در سطح یکی از معضلات عمده و کلان کشوری مطرح است و در صورت نپرداختن جدی به آن چه‌بسا در آینده مشکلاتی را برای نظام ایجاد کند. باید توجه داشت مفاسد اقتصادی آثار مخرب گوناگون از جمله تورم، بیکاری، عدم رشد و توسعه کشور و سلب اعتماد عمومی نسبت به نظام حاکم را به دنبال دارد. بنابراین در ایران دادگاه‌ها و آیین‌نامه‌هایی برای مبارزه با مفاسد اقتصادی تدوین شده است، لذا هدف این مقاله بررسی آیین‌نامه دادگاه‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی از منظر اصول دادرسی کیفری است. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که، تکالیف مقنن ایران در زمینه جرم‌انگاری و تعیین پاسخ‌های کنشی و واکنشی مندرج در کنوانسیون در زمینه جرایم اقتصادی و مالی را می‌توان با اصول قانون اساسی که ملهم از مبانی فقهی است تطبیق داد و اجرای این تکالیف مغایرتی با قانون اساسی نخواهد داشت. اجرای این تعهدات کاملاً در راستای قانون اساسی و موازین شرعی است. آیین‌نامه‌ی مذکور عمدتاً با توسل به شیوه‌های مربوط به پیشگیری موقعیت مدار، درصدد کاهش مفاسد اداری می‌باشد و تدابیری چون شفافیت و استفاده از سازوکارهای دولت الکترونیک مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: مفاسد اقتصادی، آیین‌نامه، جرم‌انگاری، آیین دادرسی کیفری.

مقدمه

از زمان تشکیل جامعه و زندگی گروهی افراد و نیاز متقابل افراد به یکدیگر، انجام مبادلات اقتصادی و ورود دولت برای برقراری نظم و آسایش جامعه به تدریج زمینه‌ی سوء استفاده از مقام و موقعیت شکل گرفت و پدیده‌ای به نام مفاسد اقتصادی بوجود آمد. بدیهی است مفاسد اقتصادی بحثی نیست که اختصاص به زمان حاضر داشته باشد بلکه به قدمت تاریخ حکومت‌های بشری در جوامع مختلف با شدت و ضعف مختلف وجود داشته و از سویی گسترش و توسعه‌ی تجارت در دهه‌ی اخیر گر چه پیشرفت و آسایش را به همراه داشته لیکن عواقب سویی همچون مفاسد اقتصادی بدنبال داشته است از آنجاکه این جرم توسط افراد برخوردار از مناصب اجتماعی با سوء استفاده از مقام و موقعیت خود صورت می‌گیرد اثرات سویی همچون جلوگیری از توسعه و تعالی کشور، سلب اعتماد عمومی مردم نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و در نتیجه عدم سرمایه‌گذاری و رکود اقتصادی را به دنبال دارد [۱].

جرائم با ماهیت اقتصادی و مالی در بین جرائم مختلف، یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. توسعه فناوری‌های نوین از قبیل فناوری اطلاعات، شرایط گسترده جرائم اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. بروز و ظهور جرائم و مفاسد اقتصادی در جوامع، از مظاهر بدیهی نقش کارکنان دولت و دست‌اندرکاران حکومتی در این زمینه است و این موضوع به‌ویژه در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری هست [۲].

جرم‌شناسی اقتصادی یعنی «مطالعه علل ارتکاب جرائم اقتصادی و مطالعه شخصیت مرتکب جرم اقتصادی» مطالعه یک جرم اقتصادی به‌طور خاص و علل ارتکاب آن می‌پردازد. به‌طور کلی عوامل متعددی موجب اهمیت جرائم اقتصادی شده است. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرائم اقتصادی بر رقابت‌پذیری اقتصاد، مطالبات مقام معظم رهبری، الزامات سند چشم‌انداز و قوانین برنامه‌ای؛ همه و همه از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرائم اقتصادی را افزایش داده‌اند. به‌طور کلی معیارهایی برای تفکیک جرم اقتصادی از سایر جرائم وجود دارد [۲].

در قوانین فعلی کشور، قانون مجازات اخلالگران نظام اقتصادی کشور، قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی، قانون مجازات ثباتی در معاملات دولتی، مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس (مصوب ۱۳۷۵)، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول، قانون مجازات مرتکبین قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی و در نهایت مواد ۵۸۸ تا ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) برخی قوانین احصاء کننده جرائم اقتصادی هستند. بر اساس این تعاریف آیین‌نامه‌هایی اجرایی برای دادگاه‌ها جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی در ایران تدوین شده است. بر اساس این آیین‌نامه در این دادگاه‌ها متهمان اجازه انتخاب آزادانه وکیل ندارند و فقط از فهرست وکلای تبصره ماده ۴۸ می‌توانند وکیل مدافع بگیرند. بر اساس این تبصره در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان یافته در مرحله تحقیقات مقدماتی، طرفین دعوا باید وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری انتخاب کنند که رئیس قوه قضاییه آن‌ها را تأیید کرده باشد. در هر شهر اسامی وکلای مورد تأیید را رئیس قوه قضاییه به مراجع قضایی و دادگاه‌ها می‌فرستد. مورد دیگری که در آیین‌نامه پیش‌بینی شده شعب خاصی است که باید در دادسرا، دادگاه و دیوان عالی کشور تشکیل شود. دادستان و بازپرس موظف‌اند که مطابق با آیین‌نامه و استجازه رهبر معظم انقلاب حداکثر در ۲۴ ساعت پرونده‌ای را که تشکیل می‌دهند، از طریق دبیرخانه مربوطه به معاونت اول اطلاع دهند. هر بازپرس حداکثر در ۲۴ ساعت باید گزارش دهد که فلان پرونده در فلان استان تشکیل شده است تا اگر لازم است اقدامی در رابطه با آن انجام شود و پس از صدور کیفرخواست نیز سریعاً مراتب به معاون اول اعلام شود.

مفهوم فساد اقتصادی

پژوهشگران، فساد مالی را به‌عنوان یک رابطه خاص حکومت جامعه تعریف کرده و بین «فساد سیاسی» و فساد اداری و نیز فساد کارکردی و فساد ناکارکردی تفاوت قائل می‌شوند و فساد مالی را به‌عنوان یک سازوکار «نشت از بالا»، «یا توزیع مجدد رو به پایین» دسته‌بندی کرده‌اند؛ اما از لحاظ هم‌نشینی فساد قدرت با فساد مالی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک گشته و حالتی جدایی ناپذیر پدید آورده‌اند. علاوه بر محافل آکادمیک، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نیز برای دستیابی به یک تعریف و مفهوم منسجم تلاش‌هایی را صورت داده‌اند. بانک جهانی نیز فساد مالی را «سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولت به‌منظور تأمین منافع شخصی» تعریف کرده است [۳].

بازتاب قوانین کیفری در رسیدگی مفاصد اقتصادی

صالح دانستن مراجع متعدد رسیدگی

در دوران بحران اقتصادی کشور، قانون‌گذار از طریق سیاست‌های سخت گیرانه مانند تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، جرایمی را که موجب اخلاص در نظام اقتصادی تلقی می‌شوند در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است. حال آنکه سازمان و تشکیلات دادگاه انقلاب به‌عنوان دادگاهی اختصاصی تابع اصل تعدد قضات نبوده و با یک قاضی تشکیل می‌شود. چنین امری با توجه به موقعیت اجتماعی و بعضاً سیاسی بزهکاران اقتصادی، مناسب نبوده و با عنایت به قدرت و نفوذ مرتکبان، در مواردی حتی ممکن است احتمال شروع رسیدگی کیفری منتفی شود. همچنین از آنجا که اینگونه قضات به طور معمول با مسائل حوزه اقتصادی آشنایی ندارند، احتمال تقدم رویکرد امنیتی بر رویکرد اقتصادی دور از انتظار نیست. به همین دلیل محول نمودن رسیدگی پرونده‌های فساد اقتصادی به دادگاهی اختصاصی بیش از آنکه اقدامی منطبق بر معیارهای علمی تلقی شود، نشان از غلبه مصلحت اندیشی قانون‌گذار در اتخاذ سیاست مزبور دارد. محدود شدن صلاحیت دادگاه انقلاب به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۴ نیز دغدغه‌های فوق را مرتفع نمی‌نماید. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز سرانجام پس از سال‌ها در ماده ۲۹۷، فرض تعدد قاضی دادگاه انقلاب هنگام رسیدگی به جرایم مستوجب مجازات‌های بند الف تا ت ماده ۳۰۲ همان قانون را مورد پیش‌بینی قرار داده اما ویژگی و طبع خاص رسیدگی‌های کیفری در دادگاه انقلاب همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

برخلاف رویکرد سخت‌گیرانه مزبور، در جرم پول شویی نگاه سهل گیرانه قانون‌گذار در قبال این جرم سبب شده که مطابق ماده ۱۱ قانون مبارزه با پول شویی، جهت رسیدگی به جرم پول شویی و جرایم مرتبط با آن، شعبی از دادگاه عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به رسیدگی به جرایم مزبور اختصاص پیدا کند. در صورتی که به نظر می‌رسد آثار گسترده این جرم و ویژگی غالباً سازمان یافته آن اقتضای یک رسیدگی تخصصی و بررسی همه جانبه موضوع را دارد که این مهم بدون داشتن تخصص و آموزش‌های لازم قضات حاصل نخواهد شد. ضرورت رسیدگی دادگاه تخصصی جهت رسیدگی به جرم پول شویی سرانجام سبب شد رئیس قوه قضائیه در بخش نامه شماره ۱۰۰ / ۱۵۵۲۱ / ۹۰۰۰ مورخ ۱۵ تیر ۱۳۸۹ خطاب به رؤسای دادگستری استان‌ها، دستور دهند که با بررسی وضعیت خاص هر استان و لحاظ صلاحیت و تجارب قضات در صورت لزوم نسبت به اختصاص شعبی از دادرها و دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی بانکی، جرایم پول شویی و الکترونیکی اقدام و نتیجه کار را در پایان سال اعلام نمایند. در ادامه بخش نامه مزبور نیز بیان شده «چنانچه اجرای این بخشنامه مستلزم آموزش قضات برای تصدی شعب یاد شده باشد، مراتب مستقیماً جهت برنامه ریزی به معاونت آموزش قوه قضائیه اعلام تا نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه اقدام شود».

به نظر می‌رسد علاوه بر آنکه تشکیل دادگاهی تخصصی جهت رسیدگی به جرایم مزبور و به‌ویژه جرم پول شویی یک ضرورت تلقی می‌شود، وجود قضات متخصص و آشنا با این جرایم بسیار واجد اهمیت است. از این رو بخشنامه فوق در صورتی راه گشا به سوی رویکردی سنجیده تلقی می‌شود که تشکیل دادگاه‌های تخصصی و آموزش قضات برای تصدی شعب مزبور ضرورت تلقی شده و به تشخیص رؤسای دادگستری استان‌ها واگذار نشود. زیرا رسیدگی به این جرایم مستلزم وقوف علمی و مجهز شدن به داده‌های اقتصادی و حقوق کیفری است و کسب آگاهی تجربی از طریق رسیدگی عملی به پرونده‌های اقتصادی شیوه مناسبی برای تسلط بر جرایم مذکور نیست. از بررسی فوق چنین نتیجه می‌شود که در نظام کیفری ایران، مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی در قانون به طور صریح پیش‌بینی نشده است. با این حال، پس از صدور فرمان هشت ماده‌ای مقام رهبری پیرامون مبارزه با فساد اقتصادی و تأکید ایشان مبنی بر اقدام همه جانبه به‌وسیله قوای سه گانه، با تشکیل ستاد مبارزه با مفاصد اقتصادی توسط رئیس‌جمهور در سال ۱۳۸۰، مجتمع قضایی امور اقتصادی نیز به موجب دستورالعمل مورخ ۱۳۸۵ / ۵ / ۱۰ رئیس قوه قضائیه در راستای تحقق فرامین مقام معظم رهبری تشکیل شد. آن گونه که از مقرر مزبور برمی‌آید، پاسخگویی به مطالبات افکار عمومی در برخورد با مرتکبان فساد اقتصادی و شرایط ویژه حاکم بر جامعه رابطه معناداری با صدور دستور تشکیل مجتمع مذکور داشته است. تأمین فوری خواسته‌های عموم مردم در این خصوص اگر چه یک امتیاز می‌باشد ولی چنانچه این مجتمع از تجهیزات فنی و پرسنلی به خصوص از حیث قضات واجد شرایط برای رسیدگی به جرایم اقتصادی برخوردار نباشد، امتیاز تعجیل به ایراد تبدیل می‌شود.

تشهیر مجرمان اقتصادی

در حقوق کیفری اصل بر آن است که مجرم به محض اتمام محکومیت خود به اعاده حیثیت نائل می‌شود. زیرا جامعه در پی آن نیست که محکوم را برای همیشه از خود دور و از حقوق اجتماعی و فردی محروم سازد. حساسیت نسبت به نحوه عملکرد دستگاه قضا سبب شده بود تا طراحان

طرح در جهت اعمال محدودیت‌ها و فشارهای بیشتر بر قوه قضاییه، تدابیر سخت‌گیرانه‌ای جهت انتشار احکام جرایم اقتصادی پیش‌بینی نمایند. از جمله این موارد، پیش‌بینی اعلام حکم به طور کلی و حتی قبل از قطعیت با در نظر گرفتن منافع عموم و عدم پیش‌بینی معیار کمی در این زمینه بود [۴].

انتشار اسامی مفسدان در قانون جدید

با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی در سال ۹۲، قانون‌گذار سعی کرد تا اشکالات گفته شده بر مقرر قبلی را رفع کند و از این‌رو، در ماده ۳۶ قانون جدید، موضوع انتشار اسامی مفسدان را به طور صریح و روشن به‌عنوان یکی از مجازات‌های قانونی ذکر کرد. بر اساس این ماده، حکم قطعی مجازات در جرایم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار (حبس بیش از ۵ سال و جزای نقدی بیش از ۱۸۰ میلیون ریال) باید یک نوبت منتشر شود. در صدر ماده و تبصره ماده هم در خصوص جرم کلاهبرداری و بخشی از جرایم اقتصادی مهم نظیر رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت در معاملات خارجی، تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت، جرائم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرائم مالیاتی، پول‌شویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور و تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی، قانون‌گذار مقرر کرده که اگر عواید حاصل از جرم بیش از یک میلیارد ریال (۱۰۰ میلیون تومان) باشد، حکم مجرم در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

انتشار حکم به‌عنوان مجازات تکمیلی

علاوه بر این که قانون‌گذار در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، انتشار اسامی مفسدان و مجرمان را به‌عنوان یک مجازات اصلی برشمرده است، در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، به قاضی اجازه داده تا در جرایم مستوجب حد و قصاص و جرایم مستوجب مجازات‌های درجه شش تا درجه یک، علاوه بر مجازات‌های اصلی، متهم را به یک یا چند مجازات تکمیلی هم محکوم کند. مجازات‌های تکمیلی علاوه بر اینکه مجازات محسوب می‌شوند، به‌عنوان یک اقدام تأمینی در پیشگیری از وقوع جرایم بعدی توسط مجرم نیز می‌توانند مؤثر باشند. یکی از این مجازات‌های تکمیلی، انتشار حکم محکومیت در رسانه‌ها است تا به وسیله آن، هم متهم به‌صورت مناسبی مجازات شود و هم دیگران بدانند که در صورت وقوع جرم، چه مجازاتی در انتظار آن‌ها خواهد بود. در واقع علاوه بر اینکه، در برخی جرایم اقتصادی با عواید بیش از ۱۰۰ میلیون تومان، قاضی مکلف به انتشار حکم محکومیت متهم است، در خصوص سایر جرایم با مجازات درجه شش تا درجه یک نیز می‌تواند به‌عنوان تکمیل مجازات اصلی، متهم را به انتشار حکم در رسانه‌ها نیز محکوم کند.

سرعت در رسیدگی

هر چند پرهیز از اطاله دادرسی از حقوق اصلی متهم به شمار می‌رود اما در نقطه مقابل، اجتناب از شتاب‌زدگی تحت تأثیر افکار عمومی نیز از حقوق بنیادین متهم است. با این وجود در سیاست جنایی ایران، در پاره‌ای موارد دادگاه‌ها به سوی تسریع در روند رسیدگی هدایت شده‌اند تا بدین وسیله عزم جدی مسئولان سیاست جنایی در مقابله با جرایم اثبات و از ارزش نقض شده حمایتی نمادین صورت گیرد. چنین راهکاری در غالب موارد به نادیده انگاشتن و یا تضييع حقوق متهمان می‌انجامد. به عبارت دیگر، تسریع بیش‌ازاندازه در فرآیند کیفری موج کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی و تحدید موازین دادرسی عادلانه خواهد شد که مسلماً در درازمدت ناکارآمدی نظام کیفری و بازنمایی منفی از عملکرد آن را به دنبال خواهد داشت. از مصادیق بارز تمایل سیاست جنایی تقنینی ایران به شتاب بخشیدن رسیدگی به جرایم اقتصادی، تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد. مطابق این تبصره، مرجع تجدیدنظر موظف است حداکثر ظرف مدت ۶ ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید و در صورت تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی‌کننده به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شوند. بررسی گفتمان نمایندگان مجلس هنگام طرح این موضوع نشانگر آن است که پیش‌بینی چنین مهلتی جهت رسیدگی مرجع تجدیدنظر، جلوه‌ای دیگر از حساسیت قانون‌گذار نسبت به محاکم رسیدگی‌کننده است.

در واقع از آنجا که نحوه رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی از منظر قانون‌گذار از اهمیت به سزایی برخوردار بوده، با پیش‌بینی مهلت رسیدگی و مجازات انتظامی سعی شده دادگاه‌های تجدیدنظر برای رسیدگی سریع و در موعد معین تحت فشار قرار گیرند تا از این طریق سیاست‌گذاران در اسرع وقت پاسخ گوی افکار عمومی باشند[۵].

دادگاه ویژه مبارزه با مفاصد اقتصادی

جرائم اقتصادی، قابلیت طرح مستقیم در دادگاه را ندارند و ابتدا در دادسرا مطرح می‌شوند؛ اما مواردی مثل پول شویی، به لحاظ ضمانت اجرای خفیف و ناکارآمد بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ تعزیر درجه ۷ محسوب و مستقیماً در دادگاه کیفری ۲ مرکز هر استان مطرح می‌شود. البته شاید این روند بر سرعت رسیدگی تأثیر داشته باشد. بر اساس ماده ۱۰ پیش‌نویس قانون اصلاح قانون مبارزه با پول شویی، مجازات اشخاص حقیقی حبس درجه ۵ و جزای نقدی معادل مال مورد پول شویی است و در صورت تصویب نهایی این وضعیت تغییر می‌کند. البته برای اشخاص حقوقی، جزای نقدی نسبی پیش‌بینی شده است. اصولاً دادسراهای محل وقوع جرم صلاحیت رسیدگی دارند؛ لیکن به اعتبار مرتکبین این جرائم، ممکن است قابلیت طرح موضوع در دادسرای ویژه روحانیت، دادسرای نظامی یا دادسرای حوزه قضایی دیگری وجود داشته باشد.

رسیدگی به پول شویی در صلاحیت دادگاه‌های عمومی مرکز استان‌ها است که در شعبه تخصصی بررسی می‌شود. در قانون، هم به صلاحیت محلی و هم ذاتی اشاره شده است. سکوت قانون در خصوص دادسرای ذی‌صلاح به معنای سلب صلاحیت از دادسرا نیست اما آیا باید تحقیقات مقدماتی نیز در مراکز استان‌ها انجام شود؟ ظاهراً پاسخ، مثبت است و با اهداف مقنن نیز هماهنگی بیشتری دارد. ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مؤید این معناست[۶].

امروزه با هدف کاستن از حجم کار قضات، حکومت‌ها توجه خود را به مراجع تخصصی معطوف کرده‌اند. تخصصی شدن را می‌توان یکی از نشانه‌های جامعه مدرن دانست. این رویکرد به‌ویژه در جرائم اقتصادی و سازمان یافته به‌منظور افزایش کارایی و تسریع در رسیدگی پیش‌بینی شده است. البته، مراجع تخصصی نباید با مراجع اختصاصی خلط شوند. «وجود مراجع تخصصی با توجه به پیامدهای مثبتی که به همراه دارند از محاسن نظام قضایی به شمار می‌رود؛ حال آنکه تعدد و تنوع مراجع قضایی اختصاصی، مورد انتقاد بوده و باید به کمترین میزان خود برسد»[۷]. رسیدگی به برخی از مصادیق قاچاق کالا و ارز نیز در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد. افساد فی الارض، ذاتاً جرم اقتصادی محسوب نمی‌شود؛ اما قاچاق کالا و ارز از مصادیق جرائم اقتصادی محسوب می‌شود. قانون‌گذار برخی از مصادیق جرائم اقتصادی را تهدید علیه امنیت اقتصادی و امنیت ملی دانسته و آن‌ها را از مصادیق افساد فی الارض دانسته است. مهم‌ترین این مصادیق عبارت‌اند از: اخلاف در نظام اقتصادی کشور (موضوع ماده یک قانون مجازات اخلاف گران در نظام اقتصادی کشور)، ماده چهار قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب ۱۳۶۸، مواد ۳۱ و ۳۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

در اغلب موارد مذکور، قانون‌گذار با اعمال ضابطه ذهنی که اثبات آن مشکل است، عمل متهم را فساد فی الارض تلقی کرده و مجازات سختی در نظر گرفته است. در موارد مذکور با توجه به میزان مجازات، دادگاه انقلاب با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند. در مورد چهارم علاوه بر ضابطه ذهنی، تحقق نتیجه (اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور) نیز لازم است. بر اساس ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برخی از مصادیق قاچاق جرم محسوب و در صلاحیت دادگاه انقلاب اعلام شده است. قانون‌گذار در این ماده به «دادسرا و دادگاه انقلاب» اشاره کرده است. در صورتی که در قوانین، «دادسرای انقلاب» به تنهایی مورد اشاره قرار نگرفته است؛ هرچند در برخی از مراکز استان‌ها، به لحاظ تقسیم کار داخلی، یک مجتمع قضایی به‌عنوان دادسرای انقلاب اختصاص داده شده است. رسیدگی به تمامی مصادیق قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای به صراحت این ماده و همچنین رسیدگی به تمامی مصادیق قاچاق کالای ممنوعه نیز بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۷ در صلاحیت دادگاه انقلاب است. بر اساس نظر دیگر که در هیئت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص کالای ممنوع پذیرفته نشد فقط مصادیقی از قاچاق کالای ممنوع که مستلزم حبس یا انفصال از خدمات دولتی هستند در صلاحیت دادگاه انقلاب اعلام شده بود[۸].

تمامی مصادیق قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، رایانه‌ای و ارز تخلف محسوب شده و در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار دارد؛ به‌استثنای بزه موضوع ماده ۳۵ این قانون که مربوط به حالتی است که مأموران دستگاه‌های کاشف یا وصول درآمدهای دولت، مباشرت در قاچاق یا شرکت یا معاونت داشته باشند. مطلب دیگری که در خصوص ماده ۴۴ مطرح می‌شود این است که رسیدگی به جرائمی مانند حمل، نگهداری و عرضه کالاهای قاچاق که در مواد ۱۸ و ۲۲ ذکر شده در صلاحیت مرجع است زیرا ماده ۴۴ به «قاچاق» اشاره کرده و به نظر می‌رسد در

خصوص مصادیق مذکور ساکت است. این ابهام ریشه در آن دارد که قاچاق در قوانین و مقررات ایران سابقه‌ای دیرینه و در معانی مختلف استفاده شده است. عدم ارائه تعریف دقیق باعث شده که در تلقی این جرم، بین قوانین موضوعه حقوقدانان و رویه قضایی، آشفتگی به وجود آید و شکاف بین مقنن و رویه قضایی حاکم در برداشت از این جرم و دامنه شمول آن در رأی وحدت رویه شماره ۶۸۴ دیوان عالی کشور به اوج خود برسد. تعریف ارائه شده در قانون مصوب ۱۳۹۲ نیز مستلزم تسلسل است و در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون امر گمرکی، ناگزیر از ذکر مصادیقی به‌عنوان قاچاق شده که در این تعریف قانونی نمی‌گنجد [۸].

جرائم مشمول قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور نیز چنانچه به قصد مقابله با نظام یا با علم به مؤثر بودن اقدامات در مقابله با نظام نباشد، حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دو قرار می‌گیرد. به طور کلی در غیر از قاچاق، چنانچه دادگاه انقلاب صالح نباشد حسب مورد دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ صلاحیت دارند و در تعارض بین صلاحیت دادگاه کیفری ۱ و انقلاب می‌توان از رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴ استفاده کرد و این تشتت در مراجع تجدید نظر نیز وجود دارد. در جهت تخصصی شدن، شق اول بند د ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله، ابلاغی از سوی رهبری نسبت به تشکیل شعب تخصصی دادگاه‌های کیفری اقدام کند.

در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، ضمن موظف کردن قوه قضاییه به ارائه لایحه جامع رسیدگی به جرائم موضوع این قانون شامل تشکیلات، صلاحیت‌ها، آیین‌نامه و سایر موضوعات، مقرر شده تا زمان ایجاد تشکیلات مزبور در هر حوزه قضایی، با توجه به حجم جرائم اقتصادی و مالی موضوع این قانون، شعبه یا شعبی در دادسراها و دادگاه‌ها با رعایت صلاحیت‌های قانونی برای رسیدگی به این جرائم اختصاص یابد. قضات این شعب باید دوره‌های مصوب آموزشی را گذرانده باشند. شرایط قضات و دوره‌های آموزشی تخصصی به موجب آیین‌نامه‌ای است که این شرایط را تبیین می‌کند. پیش نویس قانون مبارزه با جرائم اقتصادی، تشکیلات دیگری در عرض دادسراها و دادگاه‌های کیفری اقتصادی است. این سازمان، زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود و قضاوت با شرایط خاص جهت فعالیت در آن پیش‌بینی شده‌اند. با توجه به سیاق عبارات مذکور در پیش نویس، این سازمان یک مرجع اختصاصی با صلاحیت ذاتی خاص است. چنانچه مال موضوع یا عواید حاصل از جرائم موضوع این پیش نویس از دو میلیارد ریال بیشتر باشد در صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های سازمان قرار می‌گیرد و در غیر این صورت سایر مراجع (دادسرا و دادگاه‌های کیفری) صلاحیت دارند. بر اساس ماده ۱۷ مرجع تجدید نظر از آرای صادره از دادگاه‌های اقتصادی، دیوان عالی کشور است. به نظر می‌رسد مفاد این پیش نویس و صلاحیت‌های سازمان ارتباطی به صلاحیت دادگاه انقلاب نداشته و صلاحیت این مرجع به قوت خود باقی است. با توجه به اصل تفکیک قوا، تأسیس نهادی در کنار قوه قضاییه برای رسیدگی به این جرائم، خلاف قانون اساسی تلقی می‌شود اما با توجه به ضرورت تخصص، امکان در نظر گرفتن شرایط خاص برای افراد رسیدگی کننده وجود دارد [۹].

ابعاد ماهوی مبارزه با مفاسد اقتصادی در پرتو آیین‌نامه

فساد اقتصادی معمولاً جرمی طرفینی است که هیچ یک از طرفین مایل به گزارش دهی نسبت به آن نمی‌باشند. برخی پژوهشگران راه حل جرم زدایی از یکی از طرفین درگیر را که غالباً منظور همان شخص غیر کارمند و مستخدم می‌باشد، پیشنهاد داده‌اند. این گونه راه حل‌ها به تنهایی بازدارنده نیست و منتهی به کاهش فساد نمی‌شود. از سوی دیگر، پرداختن به موضوعات چالش پذیری مانند فساد همواره با حساسیت‌ها و مشکلات و حواشی خاص توأم بوده که گاه رسیدگی کیفری را ناخواسته تحت الشعاع قرار می‌دهد. از این رو، اتخاذ تدابیری به منظور جلوگیری از وقوع جرم و پیشگیری از تحقق آن از طریق بالا بردن هزینه‌های ارتکاب و پایین آوردن منافع آن بهترین راه حل است [۱۰]. ایده‌ی پیشگیری بهتر از درمان است با الهام از اصل راهبردی و جرم شناختی، «پیشگیری به از اصلاح و درمان است» به‌عنوان یک اصل راهبردی در دهه‌های اخیر در مبارزه‌ی با جرم و کنترل بزهکاری مورد توجه متولیان سیاست جنایی قرار گرفته است [۱۱].

امروزه تدوین سیاست ملی پیشگیری از جرم، برخاسته از مطالعات و تحقیقات جرم شناختی و بزه دیده شناختی، ارزیابی دوره‌های برنامه‌های پیشگیری و از همه مهم‌تر ایجاد یک شورا یا سازمان ملی مستقل، متولی سیاست‌گذاری و هماهنگی پیشگیری در سطح ملی و محلی که در اصول راهبردی سازمان ملل در زمینه‌ی پیشگیری نیز مورد تأکید قرار گرفته، دارای مشروعیت قانونی و تجربی شده است، چندان که بزهکاری و پیشگیری از آن، در چارچوب یک رویکرد میان قوهای و مشارکتی، توجه همه‌ی ارکان حکومت و سازمان‌های مردم نهاد را به خود جلب کرده است [۱۱].

قانون «پیشگیری از وقوع جرم» مصوب ۱۳۹۴/۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، تازه‌ترین سیاست اتخاذ شده در زمینه‌ی پیشگیری از جرم می‌باشد که در آن به دلیل الزامات قانون اساسی نسبت به قوه‌ی قضاییه در بند ۵ اصل ۱۵۶، این قوه مدیریت پیشگیری از جرم را بر عهده دارد. لایحه‌ی پیشگیری از وقوع جرم در مورخ ۱۳۸۸/۲/۹ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۲ ایراداتی را بر

این لایحه وارد کرد. مجلس پس از بررسی این ایرادات در مورخ ۱۳۹۰/۶/۷ بر نظر خود باقی ماند و در مورخ ۱۳۹۰/۶/۱۲ لایحه برای بررسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد و پس از چهار سال در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۲۱ به تصویب این مجمع رسید.

پیشگیری از جرم یک امر فرا قوه‌ای و بین بخشی است و طبق قانون پیشگیری از جرم دستگاه‌های مختلف از جمله مجلس، بخش‌های عمومی و حتی مردم باید برای پیشگیری از جرم تلاش همه جانبه ای داشته باشند تا قوه قضاییه بتواند آن را مدیریت کند. پیشگیری در مفهوم مضیق و جرم شناسانه‌ی آن شامل اقدامات غیر سرکوبگر می‌شود و توسل به اقدامات سرکوبگر یا همان پیشگیری واکنشی در جرم‌شناسی پیشگیری منتفی خواهد بود. اولین تعریف قانونی از پیشگیری در قانون تازه تصویب‌شده‌ی «پیشگیری از وقوع جرم» ارائه شده است. طبق ماده ۱ این قانون «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از: پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن» [۱۲].

آنچه از نظر جرم‌شناسی لزوم توسل به پیشگیری را توجیه می‌کند آن است که ثابت شده است در گذر از اندیشه به فعل مجرمانه عوامل متعددی تاثیرگذار بوده و می‌توانند منجر به قطع این فرآیند شوند. عواملی همچون اعتقادات مذهبی، ترس از کشف ماجرا و سرزنش دیگران و... در این راستا هستند [۱۳]. در عرصه بین‌المللی با همین رویکرد برای پیشگیری از شماری از بزهکاری‌ها سیاست‌گذاری شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به پیمان سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد ۲۰۰۳ اشاره کرد. سند مذکور در راستای پیشگیری از فساد اقتصادی، به شناسایی مجموعه‌ای از روش‌های غیر کیفری پرداخته است در پهنه‌ی سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از جرایم اقتصادی مقررات متعددی مانند قانون ارتقا سلامت نظام اداری، قانون و آیین‌نامه‌ی مبارزه با پولشویی و... به تصویب رسیده‌اند. «آیین‌نامه‌ی پیشگیری و مقابله‌ی نظام‌مند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه‌ی مجریه ۱۳۹۲» تازه‌ترین سیاست اتخاذ شده در این زمینه و در راستای ماده‌ی ۲۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد ۱۳۹۰ به شمار می‌آید.

پیشگیری فردمدار از فساد در پرتو آیین‌نامه

پیشگیری فردمدار که به آن پیشگیری اجتماعی نیز گفته می‌شود به راهبردها و تدابیری اطلاق می‌شود که هدف آن‌ها به طور کلی تغییر در وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی باشد. بدین منظور اقدامات اجتماعی با تمرکز بر عوامل خطر و عوامل حمایتی و نیز ساختارهایی که مستعد رشد و توسعه آن می‌باشد در اولویت قرار می‌گیرد [۱۴].

این نوع از پیشگیری بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرآیند جامعه پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند، تأثیر می‌گذارد و با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن برای آحاد جامعه ایجاد نماید [۱۵].

این رویکرد بزهکاری را نتیجه نقض فرآیند جامعه پذیری متأثر از آسیب‌پذیری اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، احساسی یا عاطفی و اقتصادی می‌داند و بر همین اساس مداخلات آن ناظر بر ظرفیت‌های فردی هر شخص، محیط‌های پیرامون وی، شرایط زندگی و عناصر ساختاری که وی را احاطه کرده‌اند می‌باشد [۱۴].

به این ترتیب، پیشگیری فردمدار از رهگذر تدابیر و اقدامات غیرکیفری به دنبال بسترسازی برای آشنا کردن شهروندان با ارزش‌های اساسی جامعه و گرایش دادن آن‌ها به سمت احترام گذاردن به هنجارها و نیز باید‌ها و نیاید‌های کیفری است. در واقع در این عرصه از پیشگیری، بنیادی‌ترین هدف اجتماعی کردن افراد و فراهم کردن زمینه‌های مناسب هنجارمند شدن آنان است؛ بنابراین در پهنه‌ی پیشگیری فردمدار موجبات پروراندن شخصیت افراد و جامعه پذیری آنان فراهم می‌شود. پیشگیری فردمدار برای دست یافتن به اهداف خود به دو نوع پیشگیری رشد مدار و جامعه مدار تقسیم می‌شود.

پیشگیری رشدمدار، مخاطب این نوع از پیشگیری کودکان معضل دار می‌باشد و در واقع این پیشگیری با هدف قرار دادن فرآیند رشد کودکان معضل دار به دنبال ترمیم خلاءهای تربیتی آنان است (همان). پیشگیری رشد مدار نشان می‌دهد که مداخله به هنگام و به موقع درباره‌ی کسانی که به خاطر وضعیت خانوادگی در معرض ارتکاب جرم هستند، می‌تواند جلوی بزهکاری و استمرار تمایلات مجرمانه را در آن‌ها بگیرد. این نوع از پیشگیری در حوزه‌ی جرایم و مفاسد اقتصادی چندان مورد استفاده نمی‌باشد و به کار نمی‌آید [۱۱].

تدابیر فردمدار در پرتو آیین نامه

پیشگیری فردمدار (اجتماعی)، مجموعه اقداماتی است که هدف آن خنثی کردن عواملی است که در تکوین جرم تأثیرگذار هستند و این به معنای مداخله در محیط‌های عمومی و شخصی است. پیشگیری فردمدار با استفاده از محیط‌های اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است. این تأثیرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت از طریق اقدامات تربیتی مانند آموزش، تربیت، ترغیب و تنبیه و ... عملی می‌شود [۱۲].

در پیشگیری اجتماعی از جرایم اقتصادی سازوکارهای مختلفی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین در بستر این نوع از پیشگیری می‌توان به واسطه‌ی بکارگیری اقدامات مناسب فرهنگ‌ساز، کارکنان اداری را به سمت رعایت مقررات و پذیرش هنجارها رهنمون ساخت. بدیهی است در اینجا شخصیت‌سازی، آموزش ارزش‌های بنیادی اجتماعی و آگاه‌سازی به‌منظور گرایش نیافتن کارکنان اداری به فساد اقتصادی مورد توجه می‌باشد [۱۶].

در صورتی که فضای حاکم بر محیط کسب‌وکار جرم‌زا باشد، وجود همین فرهنگ غیراخلاقی موجب می‌گردد تا فساد افراد سالم را نیز درگیر رفتارهای مجرمانه نماید؛ بنابراین می‌توان بیان داشت که محیط کسب‌وکار، باعث ایجاد فشار و ارتکاب جرایم اداری می‌گردد و بنابراین یکی از راهکارهای پیشگیری از این جرایم، بهبود فضای فرهنگی کسب‌وکار و فرهنگ حاکم بر محیط کاری است. این مهم از طریق اخلاقی سازی فضای شرکت‌ها از گذر رفتار نامه‌های اخلاقی یا کردار نامه‌ها و همچنین آگاهی‌سازی و فرهنگ‌سازی شهروندان حاصل می‌گردد [۱۲].

پیشگیری موقعیت مدار از فساد در پرتو آیین نامه

پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار، با فرض مختار بودن انسان در تصمیماتی که می‌گیرد به دنبال آن است تا با برهم زدن شرایط مناسب برای ارتکاب اعمال مجرمانه و دشوار کردن دسترسی به هدف مجرمانه، مجرمان بالقوه را از انجام عمل مجرمانه، منصرف کند. پیشگیری وضعی نقش اصلی را در امتداد فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه دارد. در این نوع از پیشگیری توجه به محیط در اولویت قرار دارد و تمام سعی بر آن است تا شرایط محیط به‌گونه‌ای چیده شود که در آن فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم محو و یا محدود گردند [۱۷].

پیشگیری وضعی از جرم مدعی رهیافتی روش‌شناختی است که فارغ از ویژگی‌های فردی و روانشناختی به مطالعه پیرامون جرم می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، پیشگیری بدون تغییر در شخصیت افراد و تنها از رهگذر تغییر در وضعیت و کاهش فرصت جرم [۱۸]. در پیشگیری وضعی که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرآیند گذار از اندیشه به عمل مواجه هستیم و درصدد تغییر وضعیت مشرف بر جرم هستیم تا معادله‌ی جرم به ضرر مجرم شود. به عبارت دیگر، هدف اتخاذ اقداماتی است که فرآیند گذار از اندیشه به عمل را قطع کند. در پیشگیری وضعی اندیشه‌ی اساسی این است که گذار به عمل مجرمانه نه فقط به انگیزه‌های مجرم بستگی دارد، بلکه به خصوصیات وضعی، شرایط وضعی یا شرایط موجود در اوضاع و احوال قبل از جرم نیز بستگی دارد. در پیشگیری وضعی دو جهت‌گیری وجود دارد:

مداخله در وضعیت ماقبل جرم

ایمن‌سازی اهداف جرم، یعنی اقداماتی که از بزه دیدگی افراد جلوگیری می‌کند.

پیشگیری وضعی دو شکل دارد:

جلوگیری از مجرم شدن افراد از طریق اعمال اقداماتی به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جرم.

پیشگیری از بزه دیدگی افراد از طریق مصون‌سازی اموال و جانیشان [۱۱].

پیشگیری وضعی ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود. پیشگیری وضعی خصوصیات خاص خود را دارد و معطوف به جرایم خاصی است. هدف این اقدامات شرایط پیرامونی جرم است و از طریق آن به دنبال پرهیز از ارتکاب مجرمانه هستیم. پیشگیری وضعی ارتکاب جرم را شفاف می‌سازد و عایدات جرم را کمتر می‌کند.

پیشگیری موقعیت مدار ویژگی‌هایی دارد:

اصل بر پیشگیری فردمدار است و پیشگیری موقعیت مدار جنبه‌ی استثنایی دارد.

این پیشگیری شخصیت ساز نیست و در شکل‌گیری شخصیت نقشی ایفا نمی‌کند.

این پیشگیری به دنبال فرصت زدایی و نامساعد نشان دادن اوضاع و احوال قبل از ارتکاب جرم است.

روش‌های پیشگیری وضعی نسبت به هر جرم متفاوت و محدود است.

جرایم اداری ماحصل انگیزه‌ای است که از تعامل میان «تمایل فردی» و «وضعیت» منتج می‌شود؛ بنابراین تدابیر پیشگیری از جرم که متوجه اثرگذاری بر یکی از دو شق تمایل فردی به ارتکاب جرم و وقوع وضعیت‌های جرم‌زا است را در مورد این دسته از جرایم نیز می‌توان اعمال کرد و چه‌بسا برهم زدن تمایل فرد به ارتکاب جرم و به تبع آن وضعیت جرم که از آن به پیشگیری وضعی یاد می‌کنیم، می‌تواند یکی از راهکارهای پیشگیری از جرایم مالی و اداری باشد. پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار از جرایم اداری، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که هزینه‌ی ارتکاب جرم بیش از حد توان آن‌ها است. مشکل بودن کشف این جرایم از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع برای کشف و تعقیب آن‌ها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر از دلایل مهم افزایش تلاش‌های پیشگیرانه است [۱۹].

بنیان‌های نظری پیشگیری موقعیت مدار از فساد اقتصادی

پیشگیری موقعیت مدار بر این انگاره استوار است که بزهکاران احتمالی انگیزه‌مند در صورت وجود آماج جاذبه‌دار و نبود حفاظت‌کننده و موانع مناسب، به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند. پس باید از طریق ساماندهی موقعیت‌های پیش جنایی و آماج جرم از وقوع پدیده مجرمانه پیشگیری کرد. این‌گونه پیشگیری، بزهکاران را حسابگر به شمار می‌آورند [۱۶].

در پیشگیری موقعیت مدار عمل مجرمانه یک نوع عمل اقتصادی تلقی می‌شود. جرم توسط افرادی اتفاق می‌افتد که همچون سایر افراد دارای قوه‌ی تعقل هستند و از روی حساب و تفکر قبلی مرتکب جرم می‌شوند [۱۷].

از اینرو می‌توان به واسطه‌ی نامناسب نشان دادن وضعیت‌های پیش جنایی و کاهش آماج سیل جرم، معادله‌ی حسابگری مجرم را به نفع عدم ارتکاب جرم پیش برد.

تدابیر موقعیت مدار در پرتو آیین‌نامه

همانطور که اشاره شد، پیشگیری وضعی عبارت است از: اقدامات پیشگیرانه‌ی معطوف به اوضاع و احوالی که جرایم ممکن است در آن وضعیت به وقوع بپیوندند. بطوریکه هدف از این اقدامات اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن قرار دهد؛ چرا که از نظر طرفداران پیشگیری وضعی، انسان موجودی حسابگر است و سود و زیان عملش را بطور فطری می‌سنجد.

مرتکبان جرایم اقتصادی نوعاً افراد حسابگر و زیرکی هستند که به دنبال فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسب برای ارتکاب جرم و به اصطلاح افراد فرصت‌طلب و موقعیت‌سنج هستند. تدابیر پیشگیرانه در این چارچوب باید فرصت‌های ارتکاب جرم را از مجرمان بالقوه و افرادی که اندیشه‌ی ارتکاب جرم را در سر می‌پروراند، بگیرد. در حقیقت راهکارهای پیشگیرانه در این خصوص باید بر کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم متمرکز گردد [۱۲].

در اغلب مواقع جرایم اداری ماحصل انگیزه‌ای است که از تعامل فردی و وضعیت منتج می‌شود. به نظر می‌رسد برهم زدن تمایل فرد به ارتکاب جرم و به تبع آن وضعیت جرم می‌تواند راهکاری برای پیشگیری از این جرایم باشد. از طرفی آنچه به طور خاص توجه به پیشگیری وضعی را در مقابل سایر انواع شیوه‌های پیشگیری در مورد جرایم اداری توجیه می‌کند، مشکل بودن کشف این جرایم و همچنین اثبات رابطه‌ی سببیت در آن‌ها و از طرفی هزینه‌های سنگین کشف و تعقیب که نیاز به بررسی و تحقیق فراوان از جمله چک کردن حساب‌ها و غیره دارد، از جمله دلایلی است که اقدام به پیشگیری در این جرایم را تشویق می‌کند [۱۷].

پیگیری اجرای کامل دولت الکترونیک

پس از ظهور شبکه‌ی جهانی اینترنت، در دهه‌ی اخیر شاهد حضور پدیده‌ای جدید با عنوان دولت الکترونیک بوده‌ایم. اصطلاح دولت الکترونیک به طور جدی از دهه‌ی ۱۹۹۰ مطرح شده است.

پیدایش دولت الکترونیک به اجرای برنامه‌ی بانکداری الکترونیک در آمریکا باز می‌گردد. در گزارش فناوری اطلاعات درباره‌ی بررسی عملکرد ملی ایالات متحده که در اوایل سال ۱۹۹۱ منتشر شد، بر گسترش دسترسی به کارت‌های الکترونیکی بانکی و استفاده از خدمات بانکداری الکترونیکی در کل کشور تأکید شده بود. از آن زمان به بعد، نگرش و استراتژی مشخص و روشنی پیرامون دولت الکترونیک در زمان ریاست جمهوری کلینتون به وجود آمد. دیدگاه ذکرشده، در پروژه تأسیسات زیربنایی اطلاعات ملی در سال ۱۹۹۳ متبلور شده. پروژه فوق ضرورت ایجاد کیفیت مطلوب در زندگی، ایجاد گروه‌های اجتماعی، ارتقا سلامت جامعه، گسترش اوقات فراغت، مشارکت هر چه بیشتر در فرآیند

دموکراسی و... را مورد تأکید قرار داده بود. مفهوم دولت الکترونیک تحت تأثیر عوامل عمده‌ای از قبیل سیاست‌گذاری، اهداف مدنظر دولت، نیت و منظور تصمیم‌گیران و زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی کشور مورد مطالعه، شکل می‌گیرد [۲۰].

افزایش شفافیت

مفهوم شفافیت برای اولین بار در معاهده‌ی ماستریخت در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۱ بکار گرفته شده است. البته لغت شفافیت در خود معاهده بکار نرفته، بلکه در بیانیه‌ی ضمیمه‌ی شماره‌ی ۱۷ که در رابطه با حق دسترسی به اطلاعات است بکار رفته است. ضمیمه‌ی این معاهده درباره‌ی اتحادیه‌ی اروپا بوده و می‌توان این اعلامیه را نقطه‌ی شروع سیاست درست و حقیقی شفافیت در جامعه‌ی اروپایی دانست. اهمیت این اعلامیه از آنجایی است که برای اولین بار در مورد تقویت و ایجاد حرکت سیاسی برای شفاف کردن عملکرد اتحادیه‌ی اروپاست [۱۲].

افزایش کنترل و نظارت

«نظارت» در لغت به نظر کردن و نگرستن در چیزی با تأمل و دیده‌بانی داشتن کاری تعریف شده است [۲۱]. در اصطلاح فقهی «نظارت» حق یا حکمی است که به موجب آن شخص می‌تواند از جریان امور آگاهی یابد و در محدوده‌ی اختیارات مشروع خویش به اعمال نظر بپردازد؛ اما در حقوق نظارت عبارت است از: بررسی ممیزی و ارزشیابی کارهای انجام شده یا در دست انجام و انطباق آن با تصمیم‌های گرفته شده و قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف اجرایی [۲۲].

سازوکارهای کنترلی و نظارتی نقش بسیار زیادی به‌عنوان یکی از اشکال پیشگیری وضعی در مدیریت فضای فساد انگیز دارند. قانون هرچقدر هم کامل باشد تا روند اجرای آن با نظارت و کنترل مدیریت نشود به اهداف غایی خود نمی‌رسد. نظارت و کنترل همواره بخشی از راهبرد پیشگیری از فساد مالی و اداری است و همواره نقش بی‌بدیلی در کاهش جرایم دارد [۲۳].

در خصوص بحث نظارت پرونده‌ی اختلاس سه هزار میلیاردی قابل ذکر است. ماجرا از آنجا آغاز شد که فردی به نام «امیر منصور آریا» با تبانی و نفوذ به شعبه بانک صادرات در محل کارخانه فولاد، اقدام به صدور LC های (اعتبار اسنادی ریالی داخلی) جعلی به مبلغ ده ها میلیارد تومان می‌کرده است و بدون آنکه وجه ال سی‌های مذکور را به بانک بپردازد، آن‌ها را دریافت و به بانک‌های دولتی و خصوصی دیگر داخلی به قیمتی پایینتر از قیمت رسمی ال سی می‌فروخته است. از آنجا که این ال سی‌ها در سامانه اطلاعاتی بانک صادرات ثبت نمی‌شد، خریداران ال سی با استعلام از همان شعبه صادرکننده اقدام به خرید ال سی می‌کردند و در نهایت مبلغ ال سی‌های مذکور به بیش از ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار یا معادل سه هزار میلیارد تومان می‌رسد. این اقدام عاقبت پس از یک اشتباه، توسط بانک صادرات کشف و به نهادهای نظارتی گزارش می‌شود تا بزرگترین پرونده اختلاس کشور رقم بخورد. به عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصادی یکی از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری اختلاس عظیم بانکی، دور زدن سیستم بانکی برای به دست آوردن سود بیشتر توسط بانک‌ها بود. جایی که بانک‌های مقصر در این اختلاس، درحالی‌که سود رسمی بانکی در کشور ۱۲ درصد اعلام شده است، با خرید ال سی‌های جعلی بانک صادرات با نرخ ۲۲ درصد، عملاً به دنبال کسب سود به میزان ده درصد بیشتر از نرخ رسمی و حدوداً دو برابر سود بانکی قانونی بوده‌اند. بانک ملی به‌عنوان مهم‌ترین بانک فعال در این پرونده، بزرگترین بانک دولتی بود که بیش از هزار و صد میلیارد تومان از ال سی‌های جعلی را با نرخ سود ۲۲ درصد پیش خرید کرده بود. با این اقدام، بانک ملی عملاً ده درصد بیشتر از نرخ مصوب پول دریافت کرده است و به همین خاطر برای دور زدن قانون ناگزیر شده است این ال سی را در جزیره کیش که فاقد محدودیت‌های قانونی داخل کشور است، معامله کند. مسئولان این بانک همچنین برای مصون ماندن این تخلف از چشم نهادهای نظارتی، از ثبت قانونی آن در سیستم خودداری می‌کرده‌اند.

این پرونده نشان می‌دهد که سیستم بانکی کشور منافذ و شکاف‌های بزرگی در خود دارد که براحتی می‌توان از آن سوءاستفاده کرد. در سیستم بانکی، همه‌ی تراکنش‌های بانکی در بانک مرکزی مشهود است. نظارت بانکی مؤثر از جمله پیش‌شرط‌های اساسی برای حصول اطمینان از صحت عملکرد نظام اقتصادی کشور است. نظارت بانکی، در پی آن است تا اطمینان یابد که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل می‌کنند. اگر نظام نظارتی بانکی در بانک مرکزی تقویت شود قطعاً از بسیاری از فسادهایی که در سیستم بانکی و شعب بانکی رخ می‌دهد می‌توان پیشگیری کرد. در این چهارچوب کنوانسیون ملل متحد برای مقابله با فساد در ماده ۱۴ خود به بحث نظارت پرداخته است. همچنین در ماده ۱۵ قانون ارتقا سلامت نظام اداری نیز اشاره شده است که مقامات و مدیران، موظف به نظارت بر واحدهای تحت سرپرستی خود از جهت پیشگیری از فساد هستند. در ماده ۱۰ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز به نظارت اشاره شده است. ماده ۲ آیین‌نامه پیشگیری

از رشوه به انتخاب بازرسان برای نظارت و تهیه گزارش توجه نموده است. در این راستا آیین نامه پیشگیری و مقابله‌ی نظاممند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه نیز در ماده ۲ خود به نظارت و کنترل زمینه‌های فساد توجه نشان داده است.

نتیجه گیری

عوامل متعددی موجب اهمیت مفاسد اقتصادی شده است. شرایط رشد اقتصادی کشور، برنامه‌های توسعه‌بخشی، حساسیت افکار عمومی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر جرایم اقتصادی بر رقابت‌پذیری اقتصاد، مطالبات مقام معظم رهبری، الزامات سند چشم‌انداز و قوانین برنامه‌ای؛ همه و همه از جمله عواملی هستند که اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی را افزایش داده‌اند. بر اساس قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی فساد محسوب می‌شود.

بدون تردید ابهام مفهومی و سایر ضعف‌های قانونی با اصول مترقی، چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات و قاعده اصولی قبح عقاب بلابیان نیز منافات صریح دارد و قانون‌گذار باید در جهت وضوح مفهومی این عنوان و جلوگیری از برداشت‌های متفاوت و در نتیجه اقدامات ناهمگون اقدام کند. در زمینه مصادیق جرم اقتصادی نیز دسته‌بندی مشخص و مستند و بر مبنای قانونی وجود ندارد. فعالان عرصه‌های اقتصادی و متولیان مبارزه با جرائم اقتصادی هرکدام بر اساس ذهنیت‌ها و یافته‌های تجربی یا تألیفی دسته‌بندی‌های مختلفی را ارایه نموده‌اند که اغلب مورد اختلاف قرار می‌گیرد. تفاوت برداشت‌ها و نبود معیار قانونی مناسب باعث بروز مشکلات و بعضاً مفسده‌های مختلفی می‌گردد که نه‌تنها باعث عدم دستیابی به نتایج مورد انتظار در مبارزه می‌گردد بلکه موجبات انحراف مبارزه و تحریف در اصل موضوع را نیز باعث خواهد شد.

مطابق با این اصل که پیش‌گیری بهتر از درمان است، مقتضی است مقنن ایران اقدامات پیشگیرانه‌ی وضعی و اجتماعی مندرج در کنوانسیون را مورد بررسی قرار دهد و در مورد آن‌ها به تصویب قانون بپردازد و این اقدامات را در کشور نهادینه کند. تکالیف مقنن ایران در زمینه‌ی جرم انگاری و تعیین پاسخ‌های کنشی و واکنشی مندرج در کنوانسیون در زمینه‌ی جرایم اقتصادی و مالی را می‌توان با اصول قانون اساسی که ملهم از مبانی فقهی است تطبیق داد و اجرای این تکالیف مغایرتی با قانون اساسی نخواهد داشت. اجرای این تعهدات کاملاً در راستای قانون اساسی و موازین شرعی است.

از دیگر ابزارهای پیشگیری اجتماعی برای مبارزه با فساد، آگاهی بخشی و آموزش همگانی افراد جامعه است. این امر در راستای حضور و مشارکت مردم برای پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌باشد. آگاهی بخشی به شهروندان موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی از طریق افزایش نظارت عمومی می‌شود. در کنار آگاه سازی عمومی باید به آگاه سازی اختصاصی که شامل کارکنان اداری می‌شود نیز توجه شود؛ یعنی باید آموزش لازم به کارکنان اداری در زمینه‌ی نحوه‌ی برخورد با جرایم اداری و بیان شیوه‌های گزارش دهی و ... داده شود. متأسفانه همانطور که بیان شد در این آیین‌نامه به تدابیر پیشگیری اجتماعی چندان توجه نشده است و مرکز ثقل آن تدابیر پیشگیری موقعیت مدار می‌باشد. شفافیت و استفاده از سازوکارهای دولت الکترونیکی از جمله راهکارهای پیشگیری وضعی هستند که تأثیر بسیار زیادی در از بین بردن فساد دارند که کاهش فساد اداری و ارتقا سلامت کارکنان سازمان‌های اداری نقش بسزایی داشته باشد و با شفاف کردن فعالیت‌های این سازمان‌ها و نظارت جامعی که با استفاده از دولت الکترونیک می‌توان بر رفتارها و عملکردهای مأموران دولتی اعمال داشت، به‌عنوان گامی مؤثر در جهت اصلاح ساختار اداری و دستیابی به نظام اداری سالم‌تر و کارآمدتر در نظر گرفته شود. نکته‌ای که در این خصوص اهمیت ویژه دارد چالش‌ها و موانعی است که بر سر راه شکل‌گیری دولت الکترونیک وجود دارد. صرف فراهم کردن تجهیزات و امکانات مورد نیاز، نمی‌تواند به ایجاد دولت الکترونیک منجر شود، بلکه برای دستیابی به آن باید چالش‌های پیشروی آن را مدنظر قرار داد. یکی از چالش‌های عمده در این زمینه به‌ویژه در کشور ایران، موانع فرهنگی است. در این زمینه فرهنگ‌سازی از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا یکی از اهرم‌های قوی، آموزش‌های همگانی در خصوص اهمیت، مزایا و نحوه‌ی استفاده از این مجموعه امکانات است.

انتقاد دیگری که می‌توان به آیین‌نامه‌ی مذکور وارد ساخت، عدم توجه آن به مشارکت بخش‌های جامعه جهت پیشگیری و مقابله با فساد است. نویسندگان آیین‌نامه از نقش و کارکردهای مثبت بخش جامعه غافل مانده‌اند. این امر با توجه به دغدغه‌های مختلفی که مفاسد مالی و اداری برای بخش‌های مختلف جامعه در طی چند سال اخیر ایجاد کرده است، جای تأمل دارد. با توجه به ظرفیت محدود نهادهای دولتی در پیشگیری از فساد و قابلیت‌ها و اهمیتی که نهادهای جامعه در مهار فساد دارند، بهتر بود که نویسندگان آیین‌نامه جایگاهی را برای این نهادها در میان اعضای کمیته‌ی پیگیری و کارگروه‌ها قائل می‌شدند.

نکته‌ی دیگر اینکه، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های پیشگیری از جرم و از جمله فساد اقتصادی باید مبنی بر یافته‌های علمی باشد. بر همین اساس شناسایی جایگاه برای دانشگاهیان می‌تواند به کمیته‌ی پیگیری جنبه‌ی علمی دهد و تأثیرگذاری مستقیم این دسته در سیاست‌گذاری‌های مربوط به پیشگیری از فساد می‌تواند به دانش‌بنیان بودن تدابیر کمیته‌ی مذکور کمک کند؛ اما تدوین کنندگان آیین‌نامه برای دانشگاهیان و متخصصان در امر پیشگیری در کمیته‌ی مذکور جایگاهی در نظر نگرفته‌اند.

پیشنهادهای

- (۱) ساختار اقتصادی دولتی حذف و تصدی‌گری دولت در اقتصاد کاهش یابد.
- (۲) کنترل دقیق برنامه‌های دولتی و نظارت هرچه بیشتر سازمان بازرسی کل کشور جهت جلوگیری از بروز مفاسد اقتصادی همچون تدلیس و تبانی در معاملات دولتی و نظارت هر چه بیشتر و مستمر بر روند مناقصه و مزایده‌های دولتی به‌عنوان یکی از شاهره‌های بزرگ بروز فساد همچون تدلیس و تبانی در معاملات دولتی صورت گیرد.
- (۳) ساختار معیوب بانکی و مؤسسات اعتباری در کشور و کنترل حساب‌های ارزی و ریالی جهت جلوگیری از بروز جرائمی همچون پول شویی و قاچاق ارز اصلاح شود.
- (۴) قوانین مستحکم جهت قاطعیت و کارآمدی دستگاه‌های نظارتی بویژه سازمان بازرسی کل کشور به‌عنوان بازوان نظارتی قوه قضاییه از جهت عدم شفافیت قوانین نظارتی ایجاد شود.
- (۵) نظارت دقیق بر انتخاب مدیران دستگاه‌های دولتی و مؤسسات اقتصادی صورت گیرد.
- (۶) انحصارات تبعیض آمیز برخی امور اقتصادی نظیر انحصار امور واردات و صادرات به مقامات سیاسی لغو و نظارت دقیق بر انتخاب درست صاحبان مقامات بلند پایه دولتی صورت گیرد.
- (۷) مشکلات بیکاری و فقر از ساکنان مناطق مرزی جهت جلوگیری از قاچاق کالا رفع شود.
- (۸) ضمانت اجرای کیفری جهت برخورد با برخی مصادیق مفاسد اقتصادی نظیر رانت خواری ایجاد و اقدام به شفافیت و رفع ابهام و نقص از برخی از قوانین به خصوص قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و رفع ابهام از قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ صورت گیرد.
- (۹) سازمان‌های نظارتی در سازمان‌های دولتی و مؤسسات اقتصادی ایجاد و از طریق تأسیس سازمان نظارت بر امور مالی حسابرسی و نظارت مستمر بر فعالیت‌های مالی سازمان‌های دولتی انجام پذیرد.
- (۱۰) اموال و دارایی‌های افراد شاغل در پست‌های حساس جهت جلوگیری از مفاسد اقتصادی همچون زمین خواری و تکرر ثروت‌های نامشروع مورد بازرسی دقیق و مستمر قرار گیرد.
- (۱۱) نظارت دقیق بازرسی در انجام معاملات خارجی جهت جلوگیری از بروز مفاسدی همچون اخذ پورسانت در معاملات خارجی صورت گیرد.

مراجع

- [۱] شریعتی، زینب. جنبه‌های کیفری مفسد اقتصادی در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، ۱۳۹۵.
- [۲] مصطفی پور، منوچهر. «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن‌ها»، مجله اقتصادی، شماره ۳، ۱۳۹۵.
- [۳] ربیعی علی. زنده‌باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۳.
- [۴] هژبرالساداتی، هانیه. عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری تطبیقی و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مشهد، ۱۳۸۹.
- [۵] نیازپور، احمد. «سرعت بخشی به فرآیند کیفری: سازوکاری برای پیش‌گیری از بزهکاری»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۴، ۱۳۸۹.
- [۶] سلطانی فرد، حسین؛ المیر، محمود؛ عالی پور، حسن. «آیین دادرسی جرائم اقتصادی؛ محتوا و شکل»، مطالعات حقوقی، دوره دهم، شماره سوم، ۱۳۹۷.
- [۷] کوشکی، غلامحسین و عزیززاده سرشت، نادر. «نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.
- [۸] الهام، غلامحسین و گلدوزیان، حسین. «چالش‌های تعریف جرم قاچاق در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۹، شماره ۶۸، ۱۳۹۳.
- [۹] بهره‌مند بگ نظر، حمید. سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال فساد و مطالعه تطبیقی آن با کنواسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، رساله دکتری، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- [۱۰] دادخدایی، لیلاد. بررسی مفهوم فساد و رویکرد پیشگیرانه‌ی قانون‌گذار ایران در قانون ارتقا سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- [۱۱] نجفی ابرندآبادی، علیحسین. پیشگیری عادلانه از جرم در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
- [۱۲] صادق نژاد نائینی، مجید. مطالعه جرم شناختی جرایم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی؛ از علت شناسی تا پیشگیری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
- [۱۳] ابراهیمی، شهرام. «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم‌شناسی»، فصلنامه علمی-ترویجی کارآگاه، سال دوم، دوره دوم، شماره ۵، ۱۳۹۳.
- [۱۴] جندلی، منون. درآمدی بر پیشگیری از جرم، ترجمه شهرام ابراهیمی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- [۱۵] حاذق، مجید. راه‌های پیشگیری از جرم؛ تعدد و تکرار آن در ابعاد فردی و اجتماعی، ناشر: پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی حق گستر، ۱۳۹۲.
- [۱۶] نیازپور، امیرحسین. پیشگیری از فساد اداری- مالی در پرتو آیین‌نامه پیشگیری و مقابله نظام‌مند و پایدار با مفسد اقتصادی در قوه مجریه ۱۳۹۲، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- [۱۷] سلیمانی، سجاد. «پیشگیری از اختلاس»، فصلنامه علمی-ترویجی کارآگاه، سال هفتم، دوره دوم، شماره ۲۶، ۱۳۹۳.
- [۱۸] فلسون، مارکوس؛ کلارک، رونالد. «اخلاق پیشگیری وضعی از جرم»، ترجمه مجید قورچی بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۲، ۱۳۸۸.
- [۱۹] شمس ناتری، محمدابراهیم؛ توسلی زاده، توران. (۱۳۹۰). «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۴.
- [۲۰] ناصری، حمید؛ ناصری راد، محسن. «تأثیرپذیری فرهنگی و اجتماعی استقرار دولت الکترونیک و چالش‌های فرارو»، نشریه علمی-تخصصی مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۳ و ۶۴، ۱۳۹۱.
- [۲۱] دهخدا، علی اکبر. لغتنامه، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱۳، ۱۳۷۷.
- [۲۲] باقری، فاطمه. «نظارت بر اموال و دارایی مقامات و مسئولین دولتی»، فصلنامه علمی-ترویجی کارآگاه، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۲۰، ۱۳۹۱.
- [۲۳] خلیلی پاچی، عارف. تحلیل قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ از منظر جرم‌شناسی پیشگیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۴.